

بسیار از این قبیل است که در این کتاب آمده است. در این کتاب به بررسی تاریخ و تمدن ایران و اقوام ایرانی پرداخته شده است. در این کتاب به بررسی تاریخ و تمدن ایران و اقوام ایرانی پرداخته شده است. در این کتاب به بررسی تاریخ و تمدن ایران و اقوام ایرانی پرداخته شده است.

در این کتاب به بررسی تاریخ و تمدن ایران و اقوام ایرانی پرداخته شده است. در این کتاب به بررسی تاریخ و تمدن ایران و اقوام ایرانی پرداخته شده است. در این کتاب به بررسی تاریخ و تمدن ایران و اقوام ایرانی پرداخته شده است.

در این کتاب به بررسی تاریخ و تمدن ایران و اقوام ایرانی پرداخته شده است. در این کتاب به بررسی تاریخ و تمدن ایران و اقوام ایرانی پرداخته شده است. در این کتاب به بررسی تاریخ و تمدن ایران و اقوام ایرانی پرداخته شده است.

## بخشی از تاریخ پرفراز و فرود ایرانی تباران (کردها)

□ سید عبدالرضا طیب

زنده یاد ملا مصطفی بارزانی می فرمود: « هر جا که کرد هست، آنجا ایران است » کردها شاخه ای اصیل پربیر و پر ثمر از تبار ایرانی اند. این قوم در درازای پرفراز و فرود تاریخ کهنسال ایران زمین، با سایر اقوام ایرانی (هم تباران خود) همراه، انباز و هم سرنوشت بوده اند. از هزاره های بسیار که انسانها در زادگاه خود «ایران ویج» ورا رودان، بین سیر دریا و آمودریا، در کنار دریاچه «اورال» یا خوارزم، زیستن - ساختن و پرداختن را آغاز کردند.

مبادرت ورزیدند. با هم آمیختند، زیاد و زیادتر شدند. در نتیجه کار و کوشش برای خود و قوم و قبیله خویش رفاه به وجود آوردند و در پهنه و صحنه زندگی آموختند که: «زندگی، زنده بودن نیست - زنده بودن زندگی می خواهد- زندگی بندگی نمی باشد.» پس باید، کار کرد- ساخت و نوآوری کرد تا با زیستی سرفراز همبر بود. بر این مینا و بنیاد- به کار کشاورزی و دامپروری پرداختند و آنچه مورد نیازشان بود برابر توان و امکانات موجود به وجود آوردند.

وحدت و یکپارچگی - با یکتایی و همتمایی به آفرینش و نوآوریهای ارزنده تر پرداختند. این انسانها زیادتر و زیادتر شدند و به دلیل افزایش جمعیت - کمبود فضای زیست سرما - گرما - توفانها و سیلها ناگزیر به مهاجرت شدند. شاخه ای از آنها از شمال به بالای دریای مازندران مهاجرت کردند و از آنجا به سوی غرب و از بخش غربی این دریا به سوی جنوب هجرت کردند. شاخه ای از این گروه راه خود را به سوی غرب ادامه داده و به تاسیس یونان و امپراتوری روم پرداختند که بعدها بیزانس شرقی و غربی نامیده شدند.

همه از یک بن و ریشه بودند. با هم می زیستند و برای ایجاد زیستی بهتر به کشش و کوشش می پرداختند. از همان بن و ریشه، قوم ها و قبیله ها به وجود آمدند. این قوم ها و قبیله ها در بخشهای مختلف زاد بوم خود، سرزمین مادری یا خاستگاه خویش - گسترده و گسترده تر شدند. کار کردند - کوشیدند - رنج بردند - ساختند و ساخته های خود را پرداختند. این قوم ها و قبیله ها، با کار و کوشش مداوم، به سازندگی و آفرینندگی ها

بنابراین، رشد کردند- برابر امکاناتی زمانی و مکانی پای در راه توسعه نهادند، سرزمینهای اطراف را شناسایی کرده، در اختیار گرفتند و آماده زیست کردند. کیفیت و کمیت زندگی کردن را به گونه ای روز افزون افزایش دادند. به نوآوری پرداختند- به گونه ای موفقیت آمیزتر، به زیستی سرفرازانه دست یافتند. به تاسیس روستاها- شهرها و منطقه های وسیعتری مبادرت ورزیدند- همه با هم با

شاخه ای که از بخش غربی دریای مازندران به سوی جنوب «پایین» آمدند، همه ی سرزمین قفقاز شمالی و جنوبی را در بر گرفته و بخشهای غربی فلات ایران را ماورای خود ساختند. اینان همان کردان دلیر یا عقابهای زاگرس هستند که پایه گذاران سلسله تاریخی شاهنشاهی بزرگ ماد شدند. کردها، شاخه ای برومند، فرهنگ آفرین

و تمدن زاء، از تبار اصیل و همه ایرانی، ملت کهنسال ایران که ریشه ای هزاران هزار ساله در بن تاریخ - فرهنگ شامخ و تمدن شکوهمند و پرفراز و نشیب این ملت همیشه جاویدان دارند، می باشند.

این مردم سرفراز نه تنها بنیان گذاران فرهنگ و تمدن رخشا و شکوهمند سلسله بزرگ ماد با آنهمه فرهنگ آفرینی های تمدن زایش هستند. بلکه از آمیزش آنها با شاخه ی اصیل دیگری از هم تباران خویش یعنی پارسها. شکوهمندی سلسله هخامنشی به وجود آمد که برای قرنها نه تنها بر سرزمین های همه ی اقوام مستقر در فلات ایران، بلکه بر قلب همه ی اقوام و ملت های جدا شده از شاخه های اصلی ایرانی تباران پراکنده در جهان، فرمان رویی داشت.

مهاجرت شاخه هایی از کردها به سوی غرب، فرهنگ شکوهمند این شاخه برومند از تبار ایرانی « ایرانی تبار » را به اروپا برد و گسترش داد. اروپایی که از چندین هزار سال پیش که ایرانی تباران به آن سو مهاجرت کردند - از نوه ها و نواده های اجداد ایرانی خود به وجود آمد.

لازم به یادآوری است آنچه امروز در تاریخ به نام امپراتوری روم خوانده می شود. ترکیبی است از کشورهایی که امروز، فرانسه یا کشور گل - آلمان - ایتالیا و انگلیس، نامیده می شوند.

کوتاه سخن:

تا آنجا که پس از سالها پژوهش در تاریخ جهان و ایران باستان دریافته ام. ایرانی تباران، از هزاران هزار سال پیش، از سرزمین خوارزم، فرغانه، بین رودهای سیحون و جیحون "سیردریا و آمودریا" یا سرزمین فرهنگ آفرین و تمدن زای تاجیکستان، ایران و بیخ که خاستگاه اصلی خود به حرکت در آمده و دست کم در پنج خط متفاوت، چونان رودهایی بزرگ جریان یافته و در بخشهای دلخواه، مورد پسند و مناسب تر برای ادامه زندگی و سازندگی در جهان آن روز، پراکنده و

جایگزین شده اند.

یکی از پنج شاخه اصیل این جوششهای موج دار هزاره های بی شمار ایرانی تباران از سرزمین مادریشان « ایران و بیخ » یا اطراف فرغانه، همین کردهای سرفراز راست قامت و راستگویند که آیین راست بر اسب نشستن - راست سخن گفتن و راست تیر انداختن را از فرهنگ ملی همه ایرانیان به ارث برده اند.

که پس از مهاجرت از « ایران و بیخ » در سرزمینهای وسیعی از بخش شمال غرب ایران زمین و نه ایران تجربه شده کنونی بل « ایران بزرگ » و سلسله کوههای زاگرس « پشت کوه و پیش کوه » جایگزین شده اند و با ایفای رسالت های بزرگ و فرهنگ آفرین خود به آفرینش چنان فرهنگی هنر آفرین و پر ژرفا مبادرت ورزیدند که تمدن شکوهمند و تاریخی سلسله شاهنشاهی ماد، در هزاره های پیش از میلاد، از آن ناشی می شود.

همین مادها بودند که در حیطه فرمان روییشان، نام شکوهمند خود را به دریایی که تمام منطقه اش زیر فرمانشان و از آن آنان بود و به آنها و تمدنشان وابستگی داشت، دادند.

آری « Mrdian Sea » مدین سی، یا دریایی مادها، از آن سلسله مادها است که بنیان گزارانش همان کردهای دلیرند. بعدها این نام به « Sea Mediterranean » مدی تری نین سی یا دریای مدی ترانه، تبدیل کردند.

این دریا هم چنان که « Caspian sea » کاسپین سی، یا دریای کاسپا است که خود شاخه ای برومند از درخت کش و تناور ملت ایران یعنی کردها هست و به مردمان شمال و غرب ایران و تا قلب اصفهان گفته می شود.

به زبان و بیانی دیگر همه ی مازندرانیها - گیلانی ها - آذربایجانی ها خواه شرقی خواه غربی - خواه تمام قفقاز و خواه هر آذری زبان دیگر، تا زنگان و کاسپین یا کاسوین « قزوین کنونی » و تا کاسان یا

کاشان - رگه هایی از اصفهان و حتی بخشهایی از خراسان بویژه نیشابور، حتی استان زرخیز خوزستان و بوشهر از این تبارند.

یا پرشن گلف « Persian Golf » خلیج فارس یا « پرشین سی » برابر است یا دریای پارس یا فارسی که از دیر باز بخش غربی آن دریای « فارس » و بخش شرقی آن دریای « پارس » و بعداً بخش شرقی آن به دریای مکران و اکنون به دریای عمان نامیده می شود - لازم به یادآوری است که عمان از هزاره های پیش فرزند خوانده ایران نامیده می شد و همواره زیر حمایت ایران و ایرانی تباران بود.

بنابراین دریای ماد یا مدی تری نین سی « Mediterranean Sea » نیز از همان « Median Sea » یا

Madai Sea یا مادای سی یعنی دریای مادها یا مادای ها نام گرفت.

شاخه ی دیگری از تبار ایرانی که در هزاره های مختلف در سرزمین مادری آریاها با شاخه کرد آمیزش و پیوند داشتند و فرهنگی با شکوه سیال و سیار در ایران و بیخ خوارزم « تاجیکستان کنونی » به وجود آوردند و به اطراف پراکندند نیز در تداوم این جوشش و یا خروش قومی و نژادی که از سرزمین مادری و آبا و اجدادی ایرانیان به سوی جنوب سرازیر شد، پارسها هستند که از پیوندی پر ژرفا و باستانی با شاخه ی کردها بر خوردار بودند. اینها هر کدام بخشی و پاره ای از ملت بزرگ و سترگ ایرانند.

این مردم « پارسها » از ایران و بیخ سرازیر و در مرکز و جنوب ایران کنونی که بخشی از سرزمین مادری ایرانیان و ایرانی تباران است جای گزین شدند.

از پیوند دوباره ی این مردم « شاخه ی پارسها » با کردهای گرد « شاخه مادها » پس از مهاجرت از خاستگاه خود، سلسله شکوهمند فرمانروایی هخامنشی، با آن فرهنگ و تمدن پر ژرفا - بنیان گذاری شد. نا گفته نماند که در سپاه جاویدان سلسله

هخامنشی بالغ برده هزار نفر از زبندگان برگزیده کرد و وجود داشت .

بنابراین کردها دلیر، هم در شکل گیری شاهنشاهی ماد و هم در شکوه بخشی شاهنشاهی هخامنشی نقشی تاثیر گذار داشته اند.

به روایتی ، جشن مهرگان نیز بر اثر پیروزی کاوه آهنگر و فریدون (که هر دواز کردان گرد بودند) بر ضحاک مار دوش که مارهایش از مغز سر جوانان تغذیه می شدند بنیان گذاری شد و این سنت مشترک مردم ایران زمین خود یادگاری است از رفتار قهرمانانه و دادخواهانه کردان دلیر به نمایندگی از سوی ملت ایران در برابر ستمکارهای ضحاک پلید.

در درازای تاریخ ملت ایران، دشمنان خواسته و می خواهند هویت راستین بخشهایی از ملت ایران را زیر پرده ای از ابهام ببرند. این امر بویژه در مورد کردها که از اصیل ترین شاخه های ایرانی تباران «ملت ایران» هستند به وضوح دیده می شود.

دشمنان وحدت و یکپارچگی ایران زمین و ملت ایران باید بدانند که کردها همواره از هر ایرانی میهن پرست ایرانی تر و نسبت به ایران متعصب ترند.

جمله پرژرفای زنده یاد ملا مصطفی بارزانی «هر جا که کرد هست آنجا ایران است» خود نمودار پیوند ناگسستی این شاخه بزرگ اقوام ایرانی با سایر شاخه هاست .

ملت یک مقوله تاریخی قائم به خود است که در تاریخ و اجتماع خود را به عنوان واحد جامعه ی بشری شناسانده است . در معیار و مقیاس کوچکتر از ملت نیز واحدی جز خانواده نمی شناسیم که «مجموعه ی آن» دارای همه ی ویژگیهای

ملت هست و بالعکس  
ملت عبارت از سلسله ناگسستی نسلهای گذشته حال و آینده ای است که در تاریخ و اجتماع خود را به عنوان واحد نمایانده است و در درازای تاریخ پر فراز و

نشیب جهان هستی خونشان با خاک سرزمینی که در آن زیست می کنند عجین آمیخته شده و در اثر این پیوستگی خون و خاک آن سرزمین به عنوان میهن و آن سلسله ناگسستی نسلها نیز به نام «ملت» نامیده شده است .

ملت ایران ملتی است کثیر الاقوام و کثیر المذهب همه ی اقوام ایرانی از هر قومی و قبیله و هر دین و آیین ایرانی اند و ایرانی تبارند و کردهای میهن پرست و

ایران دوست همواره با عشق به ایران میهن یکتا و بی همتایشان زیسته اند و می زنید .  
بدان امید که همه ی ملت ایران همه ی مردمان ایران دوشادوش در راه عظمت ، سر فرازی - یکپارچگی این ملت بزرگ بکوشند تا ایران ما به یاری فره ایزدی ، سر فراز در جهان و جهان به ایران سرافراز باشد .

چنین باد

به ری کرد پاینده ایران

